

بہت سہ آندا

فروشی ہا / ۲

یک عدد بابا  
بہ فروتنی می رسد

ہویا  
Hoopa



کتابی دیگر از:

برنده‌ی جایزه‌ی کشتی بخار



فروشی‌ها/۲

# یک عدد بابا به فروتنی می‌رسد

کاره سانتوس

تصویرگر: آندرس گرو

مترجم: سعید متین

## SE VENDE PAPA

© Text by Care Santos, 2011

Translation rights arranged by Sandra Bruna Agencia Literaria, SL

© Illustrations by Andrés Guerrero / Ediciones SM, 2009

All rights reserved.

Persian translation Copyright © (2017) by Houpa Publication

Iranian edition published by arrangement with Ediciones SM

Through KIA Literary Agency

نشر هوپا با همکاری آژانس ادبی کیا در چهارچوب قانون بین‌المللی حق انحصاری نشر اثر (Copyright) امتیاز انتشار ترجمه‌ی فارسی این کتاب را در سراسر دنیا با بستن قرارداد از ناشر آن (SM) خریداری کرده است. انتشار و ترجمه‌ی این اثر به زبان فارسی از سوی ناشران و مترجمان دیگر مخالف عرف بین‌المللی و اخلاق حرفه‌ای نشر است.

سرشناسه: سانتوس، کاره، ۱۹۷۰ - م.

Santos, Care

عنوان و نام پدیدآور: یک عدد بابا به فروش می‌رسد / کاره سانتوس؛ تصویرگر گرو؛ مترجم سعید متین؛ ویراستار سارا مطلوب.

مشخصات نشر: تهران: هوپا، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۱۳۳ ص؛ مصور.

فروست: فروشی‌ها، ۲.

شابک: دوره -۸۰۲۵-۸۷-۰۰-۹۷۸-۶۰۰-۸۰۲۵-۹۸-۶؛ ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۲۵-۹۸-۶۰۰-۸۰۲۵-۹۸-۶

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: عنوان اصلی: Se vende papa؛ ۲۰۱۱

یادداشت: گروه سنی: ج.

موضوع: داستان‌های ماجراجویانه

موضوع: Adventure stories

موضوع: داستان‌های طنزآمیز

موضوع: Humorous stories

شناسه افزوده: گرو، آندرس، تصویرگر

شناسه افزوده: Guerrero, Andres

شناسه افزوده: متین، سعید، ۱۳۶۵ - مترجم

رده‌بندی دیوینی: ۱۳۹۵ ی ۲۵۱ س ۸۸/۸۳

شماره کتابشناسی ملی: ۴۴۵۶۰۲۷



## فروشی‌ها / ۲

# یک عدد بابا به فروتن می‌رسد

نویسنده: کاره سانتوس

تصویرگر: آندرس گرو

مترجم: سعید متین

ویراستار: سارا مطلوب

مدیر هنری: فرشاد رستمی

طراح گرافیک: مریم عبدی

ناظر چاپ: مرتضی فخری

چاپ هشتم: ۱۳۹۶

تیراژ: ۲۵۰۰ نسخه

قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان

شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۲۵-۸۷-۰۰-۹۷۸-۶۰۰-۸۰۲۵-۹۸-۶

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۲۵-۹۸-۶



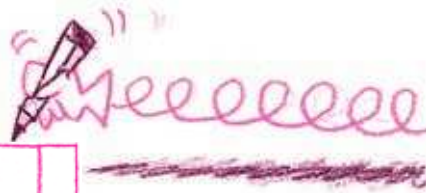
آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون، کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۳/۱، واحد دوم غربی

صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵ تلفن: ۸۸۹۹۸۸۳۰ . info@houpa.ir . www.houpa.ir

- همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا محفوظ است.
- استفاده‌ی بخش‌هایی از متن کتاب، فقط برای نقد و معرفی آن مجاز است.



برای نیکو میرایس که هنوز  
سواد خواندن و نوشتن ندارد.



تقدیم به پدرم

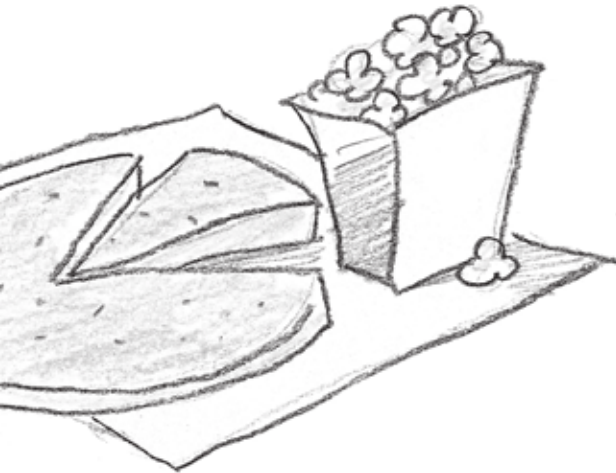
سعید متین

۱.

## ناگهان پدرِ کامل از راه می‌رسد

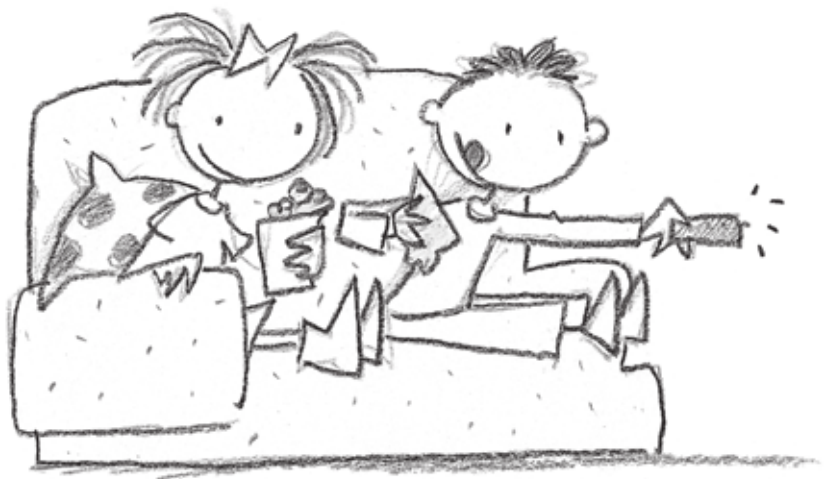
جمعه‌شب. پیتزای چهارپنیر و پف‌فیل. آب‌نبات شیرین‌بیان و فیلم دزدان دریایی. بهترین دوستت روی مبل منتظرت است و پدرش که تازه همه‌چیز را روی میزهای عسلی تاشو آماده کرده، می‌گوید: «اسکار، نورا، شام و فیلم آماده‌اند.»

عالی! برای شروع تعطیلات آخر هفته راهی بهتر از این سراغ دارید؟



جمعه‌ها مامان اسکار  
همیشه دیر می‌آید؛ چون  
توی کتابفروشی کتاب‌کودیل  
(که او صاحبش است).

جمعه شب‌ها، پدر اسکار پیش ما می‌ماند و کارهای عقب‌افتاده‌ی خانه را انجام می‌دهد. بعضی وقت‌ها اتو یا خیاطی می‌کند. خیاطی‌اش هم انصافاً خوب است! یا همین‌طور که رادیو گوش می‌دهد، شام را آماده می‌کند. خیلی کیف دارد؛ چون می‌گذارد اسکار تا دیر وقت در سالن بماند. تازه به او اجازه می‌دهد فیلمی را که بیشتر از همه دوست دارد، تماشا کند. حتی می‌گذارد کنترل تلویزیون هم دستش باشد. دقت کرده‌اید پدرها همیشه دوست دارند کنترل دست خودشان باشد و به هیچ قیمتی حاضر نیستند آن را ول کنند؟



نشست کتابخوانی دارد. من عاشق گردهمایی کتاب‌خوان‌ها هستم (و از آن بیشتر عاشق جلسه‌های قصه‌خوانی)؛ ولی از جلسه‌ی جمعه‌شب زیاد خوشم نمی‌آید؛ چون برای پدر و مادرهاست و فقط از این کتاب‌های حوصله‌سرب‌بر می‌خوانند که شیوه‌ی درست تربیت ما را یادشان می‌دهند. خودتان می‌دانید دیگر، از همین کتاب‌هایی که تا عنوانشان را می‌بینی، دلت می‌خواهد از پنجره پرتشان کنی بیرون: نه گفتن به فرزندان‌تان را یاد بگیرد، آب‌نبات ممنوع و از این‌جور چیزها.



هر لحظه ممکن بود فیلم شروع بشود. بیتزا از توی راهرو نزدیک و نزدیک تر می شد و بوی باشکوهی داشت. اسکار منتظر بود تا قاچ اول را بخورد و من لباس کثیف در دست، با موی خیس از پله ها پایین می آمدم. تازه حمام کرده بودم. وقتی داشتم جوراب تمیز به پا، خرامان از راهرو می آمدم، شنیدم که می گفت: «بیا دیگر، بجنب.»

اسکار دکمه ی پخش را روی کنترل فشار داد و گفت: «شنیده ام این یکی تبلیغ های خیلی خوبی دارد.»

من و اسکار عاشق تبلیغ فیلم ها هستیم، بعضی وقت ها حتی بیشتر از خود فیلم. وقتی تبلیغ می بینیم واقعاً کیف می کنیم و حتی یکی شان را هم از دست نمی دهیم. حق با اسکار بود. از تبلیغ ها

معلوم بود فیلم های خوبی اند. اولی درباره ی خانه ی طلسم شده ای بود که حشرات حال به هم زنی توی زیرزمینش زندگی می کردند و دومی درباره ی خرس قطبی خیلی بامزه ای بود که برای ماجراجویی به جنگل آمازون می رفت.



خلاصه اینکه جمعه بود. از ویدئوکلپ جدیدترین فیلم دزد دریایی محبوبان میمی کاتیوسکاس<sup>۱</sup> را کرایه کرده بودیم. البته قبلاً توی سینما دیده بودیمش؛ ولی خیلی دلمان می خواست راحت روی مبل لم بدهیم و باز هم مجذوب شیطنت های میمی و دوستانش بشویم که دریاها ی روی زمین را می پیمایند.



1. Mimi Katiuskas

اسکار

دیگر تحمل برادر کوچکش را ندارد. بدی قضیه این است که نورا برای گذراندن تابستان به نیویورک رفته و بدون او، اسکار نمی‌داند مشکل را چگونه حل کند. ولی دوستان خوب، همیشه کنار آدم هستند. راه حل این مشکل هم از طریق ایمیل پیدا می‌شود: اسکار باید نخودی را با برادر یا خواهر دیگری عوض کند. فکر فوق‌العاده‌ای است؛ ولی ... آیا این فکر جواب می‌دهد؟



دوست داری  
بیشتر  
بخوانی؟

اگر از خواندن

«یک عدد بابا به فروش می‌رسد»

لذت برده‌ای، کتاب‌های دیگر  
این مجموعه را از دست نده.

سال

جدید، آموزگار جدید ...  
و دوست‌های جدید؟! اسکار دوست  
جدید نمی‌خواهد. فعلاً و همیشه نورا  
بهترین دوست اوست. ولی نورا با دختر دیگری  
به نام موریل آشنا شده و می‌خواهند مهمانی‌ای  
ترتیب بدهند که فقط برای دخترهاست. اسکار  
دیگر بهترین دوست نورا نیست، پس راه  
دیگری برایش نمی‌ماند جز اینکه توی  
کتابخانه آگهی بزند و یکی دیگر را پیدا  
کند که بهترین دوستش شود.



اسکار

مادر سی‌وهشت‌ساله‌اش  
را می‌فروشد. زنی تقریباً  
خوش‌قیافه، بامحبت و دارای صدایی  
دلنشین که رفتن به شهر بازی را دوست  
دارد، یک‌عالمه قصه‌بلد است و تقریباً  
هیچ‌وقت آدم را دعوا نمی‌کند.  
پس چرا او را می‌فروشد؟ چون اسکار فکر  
می‌کند از وقتی نخودی به دنیا آمده،  
مادرش دیگر او را دوست  
ندارد.





# عجیبه که آدمیزاد کتاب هاش رو نمی خوره!

هوپا ناشر کتاب‌های خوردنی



نشر هوپا همگام با بسیاری از ناشران بین‌المللی از کاغذهای مرغوب با زمینه‌ی کرم استفاده می‌کند، چرا که نور را کمتر منعکس می‌کنند و چشم هنگام مطالعه کمتر خسته می‌شود. سبک‌تر از کاغذهای دیگرند و جابه‌جایی کتاب آسان‌تر می‌شود. و مهم‌تر اینکه برای تولید این کاغذها درخت کمتری قطع می‌شود.

..... به امید دنیایی سبزتر و سالم‌تر .....